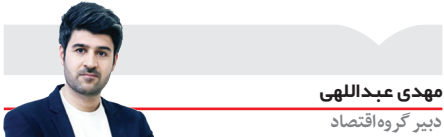




۷۰ درصد مشاغل استان های مرزی، غیر رسمی است



مهدی عبداللهی
دبیر گروه اقتصاد

اشتغال و بخش غیررسمی همواره در همه اقتصادهای جهان وجود داشته اند اما این بخش در کشورهای در حال توسعه پر قدرت تر و پرنگتر است. امروزه بخش غیررسمی به عنوان بخشی مهم و جدایی ناپذیر از زندگی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و بالخصوص اقتصادی بازار کار کشورها محسوب می شود که نقش مهمی در ایجاد اشتغال، تولید و افزایش تولید ناخالص ملی و درآمد کشورهای در حال توسعه ایفا می کند. تغییرات جمعیتی و ساختاری (همزمان با افزایش رشد جمعیت)، افزایش جمعیت شهرنشینی، افزایش درآمدهای نفتی و سیاست های پولی در برخی کشورها از جمله ایران نیز به توسعه این بخش دامن زده است. به این نحو که با افزایش عرضه نیروی کار، فقدان سرمایه گذاری مناسب به دلیل ریسک بالای سرمایه گذاری و قوانین دست و پا گیر جهت ایجاد واحد اقتصادی، اقتصاد کشورها با کمبود فرصت های اشتغال مواجه شده که به تبع افزایش نرخ بیکاری را به دنبال داشته است. از این رو بخش غیررسمی که عبارت است از فعالیت های اقتصادی که بدون نیاز به سرمایه زیاد و خارج از مقررات رسمی و قوانین کار عمل می کنند، با کاهش نرخ بیکاری، بازار کار کشورها را تحت تاثیر قرار می دهد. در کنار اشتغالزایی اورژانسی، گسترش این فعالیت ها به کاهش درآمدهای مالیاتی کشور، عدم برخورداری نیروی کار از حمایت های بیمه ای و بازنشستگی و کاهش سطح رفاه و دستمزد نیروی کار، گسترش فعالیت های غیرقانونی همچون قاچاق کالا و... منجر خواهد شد. با وجود اهمیت اشتغال و بخش غیررسمی در اقتصاد کشور، اما متأسفانه طی چندین دهه آمارهای رسمی از حجم و مقدار فعالیت های این بخش ارائه نشده بود و عمده مطالب در قالب طرح پژوهشی و پایان نامه دانشجویی ارائه می شد که مستند به آمارهای رسمی نبود. اما در روزهای گذشته مرکز آمار ایران برای اولین بار گزارشی تحت عنوان «نتایج تفصیلی اشتغال و بخش رسمی و غیررسمی ۹۹-۱۳۹۸» منتشر کرده که آمارهای اشتغال و بخش رسمی و غیررسمی را به تفصیل ارائه داده است. طبق این گزارش، در سال ۱۳۹۹ از ۲۳ میلیون و ۲۶۳ هزار شاغل در اقتصاد ایران، ۹ میلیون و ۷۶۷ هزار نفر شاغل رسمی و ۱۳ میلیون و ۴۹۶ هزار نفر نیز شاغل غیررسمی بوده اند. به عبارتی، حدود ۵۸ درصد از شاغلان ایران غیررسمی هستند. سهم ۵۸ درصدی شاغلان غیررسمی در اقتصاد ایران در حالی است که در مصر این رقم ۴۶/۶ درصد، در گرجستان ۵۱/۳ درصد، در آرژانتین ۴۹/۲ درصد، در خاورمیانه و شمال آفریقا ۴۸ درصد، در برزیل ۴۷ درصد، در مغولستان ۴۱/۵ درصد، در کاستاریکا ۳۶/۲ درصد، در ترکیه ۳۵/۲ درصد، در آفریقای جنوبی ۳۴/۷ درصد، در شیلی ۲۵/۳ درصد، در اروگوئه ۲۱/۴ درصد و در صربستان ۱۸/۷ درصد است.

ابعاد ۴ گانه اشتغال غیررسمی

اقتصاد غیررسمی تعاریف گسترده ای دارد اما در اقتصاد کشور، آذهان عمومی یا حتی کارشناسی با مواجه شدن با این بخش از اقتصاد درگیر می شوند و علل و تبعات آن را تداعی می کنند. این درحالی است که باید توجه داشت اقتصاد غیررسمی، فعالیت های اقتصادی گوناگونی را در برمی گیرد که به دلایل و انگیزه های مختلفی صورت می گیرد. یکی از متداول ترین تقسیم بندی های اقتصاد غیررسمی را موسسه آمار ملی ایالتا (ISTAD) با تقسیم این بخش به فعالیت های غیرقانونی مانند تولید و توزیع مواد مخدر، تولیدات غیرقانونی مانند دستفروشی و اقتصاد پنهان ارائه می دهد. دسته سوم که ظاهراً در لحاظ جریانات پولی در اقتصاد مابسیار گسترده تر از دو دسته دیگر است، شباهت هایی با فعالیت های رسمی دارد اما با انگیزه هایی چون «دور زدن دولت و قوانین او...» پنهان مانده است. در یک دسته بندی اقتصادی غیررسمی، فعالیت های پنهان را در تولید، تجارت و بازار پول و سرمایه تعریف کرد. مورد اول شامل بنگاه های تولید کالا و خدماتی است که برای دور زدن مالیات و دیگر هزینه های قانونی بنگاه داری خود را از چشم دولت پنهان داشته اند، این بنگاه ها که نمونه های عینی آن به وفور در اقتصاد کشور دیده می شود همان بنگاه هایی هستند که حقوق و دستمزد نیروی کار خود را سلیقه ای و البته ناچیز پرداخت کرده و خبری از بیمه و دیگر مزایای کارگری هم نیست. بسیاری از بنگاه های کوچک، رستوران ها، کارگاه های تعمیراتی و... نمونه های هستند که در زندگی روزمره خود با بسیاری از آنها برخورد دارید. اما اقتصاد پنهان در تجارت همان دسته مورد نظر آذهان عمومی یعنی «قاچاق» است. این مورد به دلیل وجود قوانین مرگویی یا تحریم و... ریشه گسترش است به طوری که مثلاً گفته می شود به دلیل ممنوع بودن صادرات دام، روزانه چند صد هزار دام از طریق قاچاق در مرزهای غرب کشور به عراق ارسال می شوند.

در گزارش جدید مرکز آمار ایران، آمده است اشتغال در بخش رسمی شامل موارد زیر است:

- افرادی که در دولت یا نهادهای حاکمیتی یا بخش عمومی یا تعاونی، سازمان های بین المللی یا مردم نهاد کار می کنند.
- افرادی که در سازمان، بنگاه یا شرکت ها و موسسات خصوصی کار می کنند یا مالکیت محل کارشان، فرد یا خانوار باشد به شرط آن که بنگاه ثبت حقوقی شده باشد یا بنگاه حسابداری داشته باشد. (حساب و کتاب بنگاه ثبت شود).
- افراد مزد و حقوق بگیر که در به سازمان، بنگاه یا شرکت ها و موسسات خصوصی کار می کنند یا مالکیت محل کارشان فرد یا خانوار باشد، در صورتی که حق بیمه بازنشستگی ایشان توسط کارفرما پرداخت شود یا در صورتی که محل کار ثابت باشد و کارکنان بنگاه ۱۰ نفر و بیشتر باشند.
- افرادی که در سازمان، بنگاه یا شرکت ها و موسسات خصوصی کار می کنند یا مالکیت محل کارشان فرد یا خانوار باشد، در صورتی

که پاسخ پرسش ثبت فعالیت محل کارشان مشخص نباشد و بنگاه حسابداری نداشته باشد (حساب و کتاب نیز نگهداری نشود)، اگر افراد مزد و حقوق بگیر نباشند، در صورتی که محل کار ثابت باشد و کارکنان بنگاه ۱۰ نفر و بیشتر باشند. مرکز آمار ایران در تعریف خود از اشتغال در بخش غیررسمی نیز به موارد چهارگانه زیر اشاره می کند: ۱- اگر فعالیت بنگاه ثبت نشده باشد. ۲- اگر بنگاه حسابداری نداشته باشد (حساب و کتاب بنگاه نگهداری نشود) و در مورد ثبت فعالیت بنگاه نیز اطلاعی نداشته باشد، اگر فرد مزد و حقوق بگیر باشد ولی برای وی از طرف کارفرما حق بیمه بازنشستگی پرداخت نشود، در صورتی که محل کار ثابت باشد و تعداد کارکنان بنگاه کمتر از ۱۰ نفر یا اظهار نشده باشد. ۳- فعالیت بنگاه اظهار نشده باشد، فرد مزد و حقوق بگیر نباشد (کارفرما، کارکن مستقل یا کارکن فامیلی بدون مزد) در صورتی که محل کار ثابت باشد و تعداد کارکنان بنگاه کمتر از ۱۰ نفر یا اظهار نشده باشد. ۴- اگر فرد مزد و حقوق بگیر باشد ولی برای وی از طرف کارفرما حق بیمه بازنشستگی پرداخت نشود، در صورتی که محل کار ثابت نباشد.

بنابراین در یک جمع بندی شاغلان غیررسمی در بنگاه هایی کار می کنند که خود بنگاه ثبت نشده، فعالیت های بنگاه ثبت نشده، بنگاه حسابداری نمی شود، محل کار دائمی نیست و شاغلان فاقد بیمه و خارج از چتر حمایتی اعم از بیمه بازنشستگی، بیمه درمانی و سایر حمایت ها قرار دارند.

۵۰ درصد اقتصاد ایران غیررسمی است

اقتصاد غیررسمی زمانی اهمیت بیشتری پیدا می کند و به یک معضل بزرگ در اقتصاد تبدیل می شود که گردش پول آن روز به روز بالاتر می رود. به طور خاص می توان علل و انگیزه های شکل گیری بخش «غیررسمی اقتصاد» را قوانین پیچیده دولتی یا تأخیر در بروکراسی اداری فعالیت های اقتصادی، بیکاری، دور زدن مالیات، محدودیت های تجاری و... دانست و از طرفی تبعات آن را کاهش تولید، مصرف انرژی، افزایش تقاضا و قیمت در بازار ارز و گسترش رشوه و رانت خواری در دستگاه های دولتی و خصوصی عنوان کرد.

تخمین های صورت گرفته نشان می دهد حجم کل فعالیت های غیررسمی که شامل: موارد غیرقانونی، موارد غیرقانونی، موارد پنهان تولید و قاچاق است، در سال های اخیر به ۵۳ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور رسیده است. البته این به این معنی نیست که فعالیت های اقتصادی در بخش غیررسمی در محاسبات تولید ناخالص داخلی به شمار نمی آیند بلکه به دلیل برآوردی بودن تولید ناخالص داخلی کشور، قطعا بخش بزرگی از آن محاسبه شده است. اهمیت بالا بودن میزان حجم اقتصاد غیررسمی از جانب پیگیری مالیاتی، بیمه ای و... این مشاغل است. البته اندازه قاچاق و بازار مواد مخدر و مشروبات الکلی به هیچ وجه امکان پیوستن به اقتصاد رسمی را نداشته اما می توان دیگر موارد غیررسمی را به رسمی تبدیل کرد و از امکانات مالیاتی، بیمه ای و نیروی کار آن حمایت کرد. به طور قطع افزایش حجم اقتصاد غیررسمی که حاصل بیکاری، تورم، رکود، تحریم و... بوده یا کوچک تر شدن به بهبود اشتغال، بهبود سطح دستمزد ها، رفاه اقتصادی خانوار ها و در نهایت رشد اقتصادی کمک خواهد کرد.

طبق بررسی های مستند، از ۵۳ درصد اقتصاد غیررسمی در کشور، حدود چهار درصد آن را اقتصاد غیرقانونی تشکیل می دهد. اقتصاد غیرقانونی شامل تولید و توزیع کالا و خدمات غیرقانونی مانند مواد مخدر، مشروبات الکلی و... است. ۱۲ درصد اقتصاد ایران را اقتصاد غیرقانونی شامل می شود که گرچه ماهیت قانونی دارند اما به دلیل کوچکی مقیاس یا توسعه نیافتگی از دید و کنترل دولت مخفی مانده اند. اما طبق بررسی ها، حدود ۳۷ درصد اقتصاد نیز اقتصاد پنهان است. این دست فعالیت ها کاملاً مشابه فعالیت های رسمی هستند اما با انگیزه های اقتصادی از چشم دولت پنهان نگه داشته می شوند.

اقتصاد پنهان در سه بخش تولید، تجارت و بازار پول ریشه دوانده است. اقتصاد پنهان در تولید همان بنگاه های تولید کالا و خدماتی هستند که برای طفره رفتن از مسائل مالیاتی و بیمه ای کارکنان خود مشغول فعالیت غیررسمی هستند، اقتصاد پنهان در تجارت نیز به چیزی جز «قاچاق کالا و خدمات» اشاره ندارد و از طرفی اقتصاد پنهان در پول نیز به فعالیت های اقتصادی گفته می شود که در بازار پول و بانک کشور اتفاق افتاده اما بدون نظارت سیستم بانکداری

و سرمایه ای کشور است. نکته جالب تر اینکه، اقتصاد غیررسمی و رسمی با یکدیگر در جذب نیروی کار رقابت داشته و در نهایت اگر نیروی کار توان جذب در اقتصاد رسمی را نداشته باشد، مجبور به فعالیت در بخش غیررسمی می شود. در این بخش تمامی قوانین زیر نظر کارفرما بوده و تمامی نیروی کار و کارگران بدون بیمه و البته دریافت حداقل دستمزد های وزارت کار در حال فعالیت هستند. بار مالیاتی فراوان، هزینه های رسمی شدن فعالیت ها، بیکاری، کاهش مشارکت اقتصادی، رکود و... همه از دلایل افزایش اقتصاد پنهان در بخش تولید هستند.

۵۸ درصد شاغلان ایران غیررسمی اند

تا همین روزهای اخیر اطلاعات اشتغال در بخش رسمی و غیررسمی کشور به صورت ساختارمند مطالعه و ارائه نشده بوده و آنچه ارائه شده، به صورت موردی و تحت عنوان طرح پژوهشی یا پایان نامه های دانشجویی بوده است. مطالعه دیگر، طرح پژوهشی است تحت عنوان «روش اندازه گیری بخش غیررسمی در ایران» که توسط پژوهشکده آمار انجام شده است. اما گزارش مرکز آمار ایران که برای اولین بار ارائه می شود، می تواند افق های فعالیت های اقتصادی در کشور را به خوبی ترسیم کند. مرکز آمار ایران دو عنوان را در گزارش خود تفکیک کرده است؛ این عناوین شامل بخش (محل فعالیت) و وضع اشتغال (وضعیت اشتغال) است. براساس گزارش این مرکز، در سال گذشته از ۲۳ میلیون و ۲۶۳ هزار شاغل در اقتصاد ایران، ۱۳ میلیون و ۹۲۹ هزار نفر از شاغلان در بخش رسمی و ۸ میلیون و ۹۹۲ هزار نفر در بخش غیررسمی و ۳۳۲ هزار نفر نیز در بخش خانوار اشتغال داشته اند.

طبق گزارش مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۹۹ از ۲۳ میلیون و ۲۶۳ هزار شاغل در اقتصاد ایران، ۹ میلیون و ۷۶۷ هزار نفر شاغل رسمی و ۱۳ میلیون و ۹۹۲ هزار نفر نیز شاغل غیررسمی بوده اند. به عبارتی حدود ۵۸ درصد از شاغلان ایران غیررسمی هستند. معنی این دو دسته اعداد چیست، باید بگوییم ممکن است فردی در بخش رسمی اقتصاد شاغل باشد مثلاً در شرکت بیمه ای که فعالیت ثبت شده دارد، حسابداری دارد اما این شاغل را بیمه نمی کند یا برعکس این وضعیت، در بخش غیررسمی ممکن است

تعداد شاغلان رسمی و غیررسمی کشور طی سال ۱۳۹۹				
استان	رسمی	کل شاغلان	رسمی	غیررسمی
آذربایجان شرقی	۱,۱۹۸,۳۰۴	۱,۳۳۲,۶۱۷	۸۳۶,۳۹۷	۶۷۱,۰۳۳
آذربایجان غربی	۹۴۵,۳۰۵	۱,۰۳۹,۶۰۹	۶۱۷,۱۱۴	۴۲۴,۴۹۵
اردبیل	۴۱۴,۴۳۶	۴۶۲,۱۱۷	۳۸۰,۳۷۳	۸۱,۷۴۳
اصفهان	۱,۵۱۷,۹۷۰	۱,۵۵۰,۴۱۷	۷۲۹,۴۹۳	۸۲۰,۹۲۴
البرز	۸۱۹,۶۹۷	۸۶۵,۹۱۰	۳۹۴,۴۱۹	۴۷۱,۴۹۷
ایلام	۱۴۴,۳۳۸	۱۶۲,۹۹۰	۸۱,۵۳۷	۸۱,۴۵۳
بوشهر	۲۹۶,۱۴۸	۳۳۲,۹۶۶	۱۶۲,۱۸۲	۱۷۰,۷۸۴
تهران	۴,۰۶۱,۹۳۴	۴,۰۶۱,۹۳۴	۲,۰۵۴,۹۶۶	۲,۰۵۴,۹۶۶
چهارمحال و بختیاری	۲۶۳,۱۲۱	۲۶۳,۱۲۱	۱۱۴,۵۴۷	۱۴۸,۵۷۴
خراسان جنوبی	۲۱۵,۶۱۷	۲۶۳,۱۲۱	۶۹,۵۱۶	۱۴۸,۵۷۴
خراسان رضوی	۲,۰۵۵,۰۴۸	۲,۰۵۵,۰۴۸	۸۶۱,۵۲۰	۱,۱۹۳,۵۲۸
خراسان شمالی	۲۵۶,۱۷۷	۲۵۶,۱۷۷	۸۲,۷۳۳	۱۷۳,۴۴۵
خوزستان	۱,۲۲۶,۱۳۰	۱,۲۲۶,۱۳۰	۵۳۹,۸۳۴	۶۸۶,۲۹۶
زنجان	۳۴۲,۱۱۶	۳۴۲,۱۱۶	۱۷۹,۹۲۳	۱۶۲,۱۹۴
سمنان	۱۹۵,۵۵۷	۲۰۴,۲۰۴	۱۲۰,۵۱۳	۸۳,۶۹۱
سیستان و بلوچستان	۵۴۳,۸۳۰	۵۴۳,۸۳۰	۱۸۲,۱۸۴	۳۶۱,۶۴۶
منبع: مرکز آمار ایران				

فرد خودش به صورت خویش فرمایی بیمه پرداز، بیمه ای که مزایای بازنشستگی و از کار افتادگی و... را دارد. طبق گزارش مرکز آمار، در همان بخش رسمی که ۱۲ میلیون و ۹۳۹ هزار شاغل دارد، ۹ میلیون و ۶۷۶ هزار نفر رسمی و ۴ میلیون و ۲۶۳ هزار نفر اشتغال غیررسمی دارند. همچنین در بخش غیررسمی ۸ میلیون و ۹۹۲ هزار شاغل، ۸۸ هزار و ۴۵۰ نفر رسمی و ۸ میلیون و ۹۰۳ هزار نفر اشتغال غیررسمی دارند. بنابراین برای اینکه دو میحت از یکدیگر تفکیک شود، باید بگوییم در بخش رسمی اقتصاد (فعالیت ثبت شده، دارای مجوز است، غیرقانونی نیست، قاچاق نیست، حسابداری دارد) حدود ۴ میلیون و ۲۶۳ هزار نفر شاغل غیررسمی وجود دارد که فاقد بیمه و سایر مزایای شغلی هستند و در بخش غیررسمی اقتصاد (ثبت شده نیست، مجوز ندارد، قانونی نیست، حسابداری ندارد و...) تنها یک درصد شاغلان دارای مزایایی همچون بیمه و بازنشستگی و سایر مزایای حداقل حقوق هستند.

۹۹ درصد زنان شاغل غیررسمی اند

آمارهای مرکز آمار به تفکیک شهری، روستایی و زن و مرد و... نیز پرداخته است. طبق این آمارها، در سال گذشته از ۱۹ میلیون و ۶۰۵ هزار مرد شاغل، ۵۷/۸ درصد از آنان معادل ۱۱ میلیون و ۳۳۷ هزار نفر در بخش غیررسمی و ۴۲/۲ درصد نیز شاغل رسمی بوده اند. بین زنان شاغل نیز از ۳ میلیون و ۶۷۸ هزار زن شاغل، اشتغال ۲ میلیون و ۱۵۹ هزار نفر معادل ۵۹ درصد غیررسمی و اشتغال یک میلیون و ۴۹۹ هزار نفر رسمی بوده است. بخش دیگر گزارش مرکز آمار ایران مربوط به سواد و تحصیلات شاغلان رسمی و غیررسمی است. طبق این آمارها در سال ۱۳۹۹ از ۲۳ میلیون و ۲۶۳ هزار شاغل در اقتصاد ایران، ۱۳ میلیون و ۴۹۶ هزار نفر شاغل غیررسمی بوده اند. از این تعداد ۹۱ درصد آنان با سواد و ۹ درصد بیسواد هستند. اما میان باسوادان حدود ۲۹ درصد از افراد سواد ابتدایی دارند، ۳۰ درصد سواد راهنمایی و متوسطه، ۲۵ درصد دبلیم و پیش دانشگاهی و بیش از ۱۵ درصد نیز آموزش عالی هستند.

۷۰ درصد شاغلان استان های مرزی غیررسمی اند

گزارش مرکز آمار در بخش دیگری به آمارهای استانی می پردازد. طبق این آمارها، به لحاظ تعداد شاغلان، از ۱۳ میلیون و ۴۹۶ هزار شاغل غیررسمی، بیش از ۲ میلیون نفر آنان در استان تهران قرار دارند. پس از تهران، یک میلیون و ۱۳۸ هزار نفر از آنان در خراسان رضوی مستقرند. استان های آذربایجان شرقی، مازندران، اصفهان، خوزستان، فارس، آذربایجان غربی، گیلان و کرمان به ترتیب ۸۳۷ هزار نفر، ۷۶۴ هزار نفر، ۷۲۹ هزار نفر، ۶۸۶ هزار نفر، ۶۷۱ هزار نفر، ۶۱۷ هزار نفر، ۵۹۹ هزار نفر و ۴۵۴ هزار نفر به ترتیب در رتبه های سوم تا دهم قرار دارند. اما در رتبه های آخر، سمنان با ۷۵ هزار نفر کمترین شاغلان غیررسمی را دارد. ایلام با ۸۱ هزار نفر، کهگیلویه و بویر احمد با ۹۳ هزار نفر و بوشهر و خراسان جنوبی با ۱۳۴ و ۱۴۶ هزار نفر به ترتیب در رتبه های ۲۷ تا ۳۱ قرار داشته و کمترین شاغلان غیررسمی را دارند.

اما از آنجایی که این اعداد و ارقام نسبت و سهم شاغلان غیررسمی از کل شاغلان را نشان نمی دهد و تعداد شاغلان در استان ها بسیار متفاوت است، شاید نسبت سنجی تصویر درست تری از وضعیت اشتغال غیررسمی استان ها را نشان دهد. مقایسه آمارها آن طور که در جدول و نمودار آمده، درحالی است که به طور میانگین حدود ۵۸ درصد از شاغلان کشور اشتغال غیررسمی دارند، اما استان همدان با حدود ۷۲ درصدی سهم اشتغال غیررسمی از کل اشتغال، رتبه اول بالاترین سهم اشتغال غیررسمی کشور را دارد. در رتبه دوم استان لرستان قرار دارد. در این استان ۷۱/۴ درصد از شاغلان غیررسمی هستند. گیلان ۷۰/۵ درصد، آذربایجان شرقی ۶۹/۸ درصد، مازندران با ۶۹/۳ درصد، کرمانشاه با ۶۹ درصد، خراسان جنوبی با ۶۷/۸ درصد، اردبیل و خراسان شمالی هر کدام ۶۷/۷ درصد، کردستان با ۶۶/۸ درصد، سیستان و بلوچستان با ۶۶/۵ درصد و آذربایجان غربی با ۶۵/۲ درصد استان هایی هستند که اشتغال غیررسمی بالاترین را در کل اشتغال دارند. همچنین سمنان با ۳۸/۴ درصد، بوشهر با ۴۵/۲ درصد، زنجان با ۴۷/۴ درصد، البرز و اصفهان هر کدام با ۴۸ درصد و تهران و فارس هر کدام ۵۰/۴ و ۵۰/۶ درصد کمترین سهم شاغلان غیررسمی از کل اشتغال را دارند.

سهم بالای شاغلان غیررسمی در استان های مرزی و استان های محروم حکایت از دو نکته قابل تأمل دارد؛ اول اینکه به واسطه تمرکزگرایی که طی یک قرن اخیر در ایران و البته در اغلب کشورهای در حال توسعه رخ داده، دولت مردان نتوانسته اند با سیاست های مناسب بین مناطق توازن ایجاد کنند و از این منظر، بخش رسمی اقتصاد در فقدان حمایت ها و سرمایه گذاری های بخش عمومی رشد چندانی نداشته و سرمایه گذاری ها به مناطق خاص سرازیر شده و الگوی عمومی اشتغال نیز متأثر از این موضوع بوده است. نتیجه دوم هم که مکمل مورد اول است، در کنار سیاست گذاری های نامتوازن منطقه ای، از شاخص های اقتصاد کلان تاثیر پذیرفته و به دلیل تحیف بودن بخش رسمی، شاغلان به اقتصاد پنهان، قاچاق کالا و مشاغل غیرقانونی روی آورده اند. همچنین در استان هایی که عمدتاً کمتر برخوردار هستند، مشاغل مربوط به کارکنان مستقل و کارکنان فامیلی بدون مزد نیز سهم بالایی دارد که به جهت مقیاس تحیف خود، خارج از فرآیندهای قانونی، بیمه و حمایت های اجتماعی است. اما معضل حجم بالای شاغلان غیررسمی در مناطق مرزی فقط به پیامدهایی که مستقیماً خانوارها و شاغلان را در برمی گیرد (نداشتن بیمه، عدم برخورداری از مزایای شغلی و بازنشستگی و امنیت شغلی) محدود نمی شود و سبب دیگر افزایش اشتغال غیررسمی در این مناطق، روی آوردن شاغلان و بنگاه ها به سمت مشاغل غیرقانونی و قاچاقی و از این دست موارد است.